مقاله پژوهشی
مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان
دوره ۲۴، آذر ۱۴۰۴، ۸۵۰-۸۳۵

بررسی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و رشد پس از آسیب با نقش میانجی نشخوار فکری ناخواسته و عمدی در بزرگ‌سالان شهرکرمانشاه در سال ۱۴۰۴: یک مطالعه توصیفی

پریا بهروزپور[۱]، ساناز عینی[۲]، مهدی زمستانی[۳]

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ ارسال مقاله به نویسنده جهت اصلاح: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ دریافت اصلاحیه از نویسنده: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: بزرگ‌سالان در طول زندگی ممکن است با رویدادهای آسیب‌زا مواجه شوند که علی‌رغم پیامدهای منفی، می‌توانند زمینه‌ساز رشد پس از آسیب شوند. هدف پژوهش حاضر تعیین نقش سبک‌های دلبستگی در رشد پس از آسیب با میانجی‌گری نشخوار فکری ناخواسته و عمدی بود.

مواد و روش‌ها: در پژوهش توصیفی-همبستگی حاضر، ۷۱۶ بزرگسال در شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۴ به صورت هدف‌مند انتخاب شدند که حداقل یک تجربه آسیب‌زا داشتند. ابزارهای مورد استفاده شامل چک‌لیست رویدادهای زندگی، پرسش‌نامه رشد پس از آسیب، پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی بزرگسال و پرسش‌نامه نشخوار مرتبط با آسیب بود. داده‌ها از طریق چک‌لیست و پرسش‌نامه جمع‌آوری و با استفاده از مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد دلبستگی ایمن (β=۰/۳۷، P<۰/۰۰۱) و نشخوار عمدی (β=۰/۳۷، P<۰/۰۰۱) با رشد پس از آسیب رابطه مثبت و معنادار و در مقابل، دلبستگی اجتنابی (β=-۰/۲۳، P<۰/۰۰۱)، دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی (β=-۰/۳۹، P<۰/۰۰۱) و نشخوار ناخواسته (β=-۰/۱۵، P<۰/۰۰۱) رابطه منفی و معناداری با رشد پس از آسیب داشتند. هم‌چنین، نقش میانجی نشخوارهای فکری در اکثر روابط تأیید شد، اما میانجی‌گری نشخوار فکری ناخواسته در رابطه بین دلبستگی دوسوگرا و رشد پس از آسیب معنادار نبود (P>۰/۰۵).

نتیجه‌گیری: یافته‌ها بیان‌گر اهمیت سبک‌های دلبستگی و الگوهای نشخوار فکری در رشد پس از آسیب هستند. کاهش نشخوار ناخواسته می‌تواند اثرات منفی سبک‌های ناایمن و آسیب‌ها را تغییر دهد و تقویت نشخوار عمدی به ارتقاء رشد پس از آسیب منجر شود. بنابراین، مداخلات درمانی با تمرکز بر اصلاح نشخوار فکری می‌تواند به بهبود سلامت روان بزرگ‌سالان کمک کند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، رشد پس از آسیب، نشخوار فکری ناخواسته، نشخوار فکری عمدی، بزرگ‌سالان

ارجاع: طالب‌روحی م، افشارقوچانی م، سنجرانی ع، حبیب‌الهی مح. بررسی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و رشد پس از آسیب با نقش میانجی نشخوار فکری ناخواسته و عمدی در بزرگ‌سالان شهرکرمانشاه در سال ۱۴۰۴: یک مطالعه توصیفی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، سال ۱۴۰۴، دوره ۲۴، شماره ۹، صفحات: ۸۵۰-۸۳۵.

۱- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
۲- (نویسنده مسئول) استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
تلفن: ۰۹۱۴۴۵۵۱۲۸۴، پست الکترونیکی: sanaz.einy@yahoo.com
۳- استاد گروه روانشناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

مقدمه

اکثر بزرگ‌سالان در طول زندگی خود رویدادهای آسیب‌زایی را تجربه کرده‌اند و میزان تأثیر آن‌ها با توجه به بافت خانوادگی، فرهنگی، تاریخی و ویژگی‌های فردی متفاوت است که سطح استرس، رشد پس از آسیب، آسیب‌پذیری و فرآیندهای شناختی و ادراکی آن‌ها را مشخص می‌کند (۱). افراد پس از مواجهه با آسیب، واکنش‌های روان‌شناختی و فیزیولوژیکی مختلفی نشان می‌دهند که معمولاً کاهش می‌یابد، اما در برخی موارد به ناراحتی پایدار و اختلالاتی چون افسردگی، اضطراب و اختلال استرس پس از آسیب (Post-Traumatic Stress Disorder; PTSD) منجر می‌شود با این‌حال، برخی نیز تغییرات مثبتی را تجربه کرده و به رشد پس از آسیب (Post-Traumatic Growth; PTG) دست می‌یابند (۲).

رشد پس از آسیب، تغییر روان‌شناختی مثبتی است که فرد پس از مقابله با شرایط چالشی تجربه می‌کند و در پنج حوزه همانند بهبود رابطه با دیگران (Relationship with others)، فرصت‌های جدید (New possibilities in life)، افزایش قدرت شخصی (Personal strength)، تغییر معنوی (Spiritual change) و ارزش‌گذاری به زندگی (Appreciation of life) نمود می‌یابد (۳). در بین ۷۰ الی ۸۵ درصد افراد آسیب‌دیده، حدود ۵۰-۹۰ درصد آن‌ها، بهبودی را به صورت یافتن معنا در زندگی، روابط صمیمی، قدرت شخصی، تغییرات در اولویت‌ها و معنویت کسب کردند که شیوع هر یک در افراد متفاوت می‌باشد (۴). مواجهه با آسیب، به طور مستقیم رشد را تعیین نمی‌کند چرا که بسیاری از بازماندگان سوانح، اغلب فقط اختلال استرس پس از آسیب را تجربه می‌کنند که تجربه‌ای منفی از آسیب است؛ بنابراین، روش مقابله با آن ممکن است ترکیبی از علائم رشد و/یا اختلال استرس پس از آسیب باشد (۵).

مطابق با یافته‌ها، رشد از طریق چهار سیستم تنظیم می‌شود که عبارتند از سیستم محیطی (مانند شبکه‌های اجتماعی و شرایط زندگی)؛ خصوصیات شخصی افراد (مانند سبک‌های دلبستگی)؛ عوامل مرتبط با رویدادهای ناخوشایند زندگی (همانند آسیب‌ها در طول عمر) و ارزیابی‌های شناختی (به عنوان مثال؛ نشخوار فکری (۶). یافته‌ها حاکی از رابطه‌ای مثبت در بهزیستی روان‌شناختی (Psychological well-being)، معنویت، امید و حمایت اجتماعی (Social support) با رشد پس از آسیب در بزرگ‌سالانی است که آسیبی را تجربه کردند؛ از این رو معنویت بالا، روابط گسترده با دیگران و درک فرصت‌های زیاد که از حوزه‌های رشد هستند، در افراد تروماتیک، با ایجاد معنا و نگرش خوش‌بینانه، سازگاری را افزایش می‌دهند (۷).

سبک‌های دلبستگی نوعی حمایت اجتماعی‌اند که بر سازگاری، مقابله و خوش‌بینی پس از تروما تأثیر گذاشته و رشد پس از آسیب را پیش‌بینی می‌کنند؛ ازاین‌رو، بررسی نقش آن‌ها در تجربه رشد افراد تروماتیک ضروری است (۸). این سبک‌ها که در سه الگوی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا دیده می‌شوند، بر روابط بین‌فردی آینده و سازگاری یا عدم سازگاری با موقعیت‌های چالش‌برانگیز اثرگذارند و در نتیجه بر رشد پس از آسیب نقش مهمی دارند و به‌طور کلی، افراد دارای دلبستگی ایمن نسبت به ناایمن، رشد بیشتری را تجربه کرده و کمتر در معرض اضطراب، افسردگی و استرس قرار می‌گیرند (۹). این سبک‌ها از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعاملات بین‌فردی هستند که با منابع درون فردی مرتبط‌اند و از این طریق با کاهش جنبه‌های منفی زندگی منجر به رشد پس از آسیب می‌شوند (۱۰).

CCBY-NC.4.0 DEED

سبک‌های دلبستگی از طریق مکانیسم‌های شناختی و هیجانی بر نوع و میزان رشد پس از آسیب اثر می‌گذارند و یکی از این مکانیسم‌ها نشخوار فکری ناخواسته و عمدی است (۱۱). نشخوار فکری که از پردازش‌های شناختی مهم در رشد پس از آسیب به‌شمار می‌رود، در دو شکل نشخوار فکری ناخواسته (Intrusive ruminations) و نشخوار فکری عمدی (Deliberate ruminations) با جنبه‌های ناسازگار و سازگار بروز می‌کند (۱۲). مواجهه با آسیب‌ها و سبک‌های دلبستگی متفاوت، با ایجاد تغییر در باورها، فرآیندهای نشخوارگونه‌ای را فعال می‌سازد که بر رشد پس از آسیب تأثیرگذارند (۴).

نشخوار در ادبیات بالینی به تفکر متمرکز بر خود در ارتباط با آسیب یا نگرانی‌های منفی اشاره دارد. نشخوار ناخواسته حاصل تعارض میان باورهای پیشین و باورهای جدید پس از آسیب است و فرد با تفکر تکراری میان رویداد و باورهای خود، می‌کوشد معنا و انسجام تازه‌ای ایجاد کند، اما این فرآیند می‌تواند به پریشانی (Distress) و اختلال استرس پس از آسیب منجر می‌گردد (۶). در مقابل، نشخوار عمدی با هدف درک، رشد و سازگاری شکل می‌گیرد و هر دو نوع، در تعامل، می‌توانند رشد و بهبودی پس از آسیب را تسهیل کنند (۱۳). در افراد دارای ترومای کودکی و دلبستگی ایمن، نشخوار عمدی موجب ارتقاء پردازش شناختی و در نهایت رشد پس از آسیب می‌شود (۱۴). با توجه به نقش سبک‌های دلبستگی و فرآیندهای شناختی در سازگاری با تجارب آسیب‌زا، بررسی نشخوار فکری ناخواسته و عمدی به‌عنوان میانجی ارتباط میان دلبستگی و رشد اهمیت دارد و درک این سازوکار می‌تواند در طراحی مداخلات روان‌شناختی و تقویت تاب‌آوری پس از آسیب مؤثر باشد (۸، ۷). ازاین‌رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین مدل ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و رشد پس از آسیب با نقش میانجی‌گر نشخوارهای فکری ناخواسته و عمدی انجام شد. مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است.

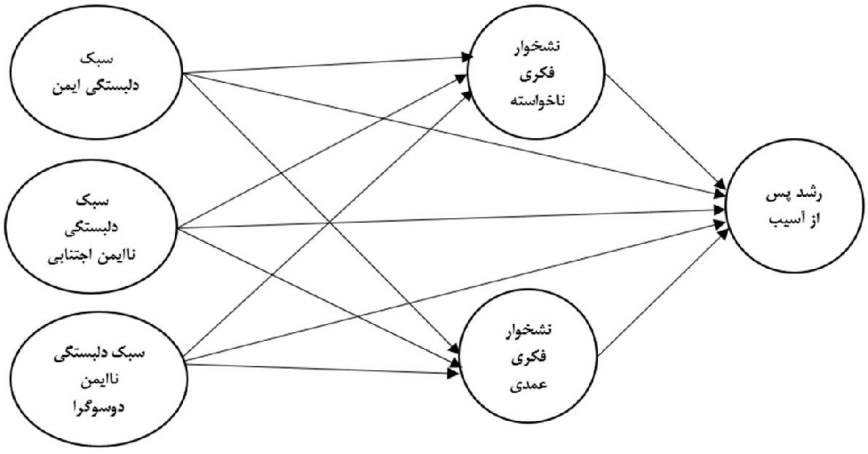

شکل ۱- مدل مفهومی رشد پس از آسیب در بزرگ‌سالان بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی نشخوار فکری ناخواسته و عمدی

مواد و روش‌ها

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ نحوه جمع‌آوری داده‌ها از پژوهش‌های توصیفی-همبستگی و از نوع مدل معادلات ساختاری محسوب می‌شود. جامعه آماری شامل تمامی بزرگ‌سالان شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۴ بود که پس از دریافت مجوز اخلاق (IR.UOK.REC.1403.056)، نمونه‌گیری به صورت هدف‌مند و با قصد شناسایی افرادی که حداقل یک تجربه

CCBY-NC.4.0 DEED

استرس‌زا یا آسیب‌زای زندگی داشته‌اند، انجام شد. ابتدا دعوت‌نامه‌ای عمومی طراحی شد که به طور کلی هدف پژوهش و تجربه‌های دشوار زندگی را توضیح می‌داد و از افرادی که چنین تجاربی داشتند، دعوت به شرکت در پژوهش می‌کرد. این دعوت‌نامه از طریق نصب در تابلوهای اعلانات عمومی، کلینیک‌های مشاوره، گروه‌های دانشگاهی و کانال‌های اطلاع‌رسانی در شهر کرمانشاه منتشر شد.

در مرحله نخست، چک‌لیست رویدادهای زندگی به افراد داوطلب داده شد تا افرادی که حداقل یک تجربه قابل توجه از رویدادهای استرس‌زا در طول زندگی خود داشتند، به پژوهش وارد شوند. این مرحله به منظور غربالگری و شناسایی نمونه هدف انجام شد. در مرحله بعد، جنسیت، دامنه سنی، میزان تحصیلات و وضعیت تأهل آزمودنی‌ها توسط پژوهش‌گر جمع‌آوری شد و پرسش‌نامه‌های اصلی پژوهش بعد از رضایت‌نامه آگاهانه، از تمامی شرکت‌کنندگان برای افراد واجد شرایط ارسال یا ارائه گردید (حضوری در مراکز مشاوره و/یا مجازی در بستر شبکه‌های مجازی) که حدود ۱۵ دقیقه به تکمیل پرسش‌نامه‌ها برای هر فرد اختصاص داده شد.

مشارکت کاملاً داوطلبانه بود و محرمانه بودن اطلاعات شخصی شرکت‌کنندگان تضمین شد. در تحلیل معادلات ساختاری حجم نمونه می‌بایست متناسب با تعداد مسیر/پارامترهای متغیرهای پیش‌بین، میانجی و ملاک تعیین شود (تقریباً ۱۰ تا ۲۰ آزمودنی به‌ازای هر مسیر) (۱۵). بنابراین در پژوهش حاضر، برای افزایش توان آماری، افزایش اعتبار بیرونی و نیز با در نظر گرفتن احتمال افت آزمودنی‌ها ابتدا ۸۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدف‌مند انتخاب شدند و پس از پالایش داده‌ها (حذف پاسخ‌های ناقص/غیرواقعی و حذف داده‌های پرت)، ۷۱۶ نفر در مطالعه باقی ماندند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: داشتن حداقل یک تجربه آسیب‌زا، رویداد استرس‌آور یا فقدان بر اساس چک لیست رویدادهای زندگی، حداقل سن ۱۸ سال، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و داشتن سواد خواندن و نوشتن و ملاک‌های خروج عبارت بودند از ناقص بودن پرسش‌نامه‌ها، عدم تمایل به همکاری با پژوهش‌گر، ارائه پاسخ‌های غیرواقعی، تصادفی یا متناقض و زمان پاسخ‌دهی غیرمنطقی (خیلی سریع یا طولانی) که بر پاسخ‌دهی فرد تأثیر بگذارد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های ذیل استفاده شد:

چک‌لیست رویدادهای زندگی (Life Events Checklist for DSM-5; LEC-5): این ابزار توسط Gray و همکاران در سال ۲۰۰۴ در مرکز ملی اختلال استرس پس از آسیب برای سنجش میزان مواجهه با حوادث آسیب‌زا ساخته شده است (۱۶). این چک لیست شامل ۱۷ آیتم است که ۱۶ مورد آن به رویدادهای اختصاصی مانند فجایع طبیعی، آتش‌سوزی، تصادفات، خشونت، سوءاستفاده، تجاوز جنسی، بیماری‌های تهدیدکننده زندگی و مرگ ناگهانی عزیزان مربوط می‌شود و یک آیتم به سایر رویدادهای تروماتیک اختصاص دارد. پاسخ‌ها در طیف شش‌گزینه‌ای (از تجربه شخصی تا مشاهده، شنیدن، مواجهه شغلی، عدم اطمینان و عدم وقوع) ارائه می‌شود و آزمودنی می‌تواند بیش از یک گزینه را انتخاب کند. نمره‌گذاری به‌صورت توصیفی و متناسب با هدف پژوهش انجام می‌شود (۱۷). پایایی بازآزمایی در دامنه ۰/۵۱ تا ۰/۹۴ گزارش شده است (۱۸) و در ایران ۰/۸۵ به دست آمده است (۱۹). در پژوهش حاضر، این ابزار صرفاً برای شناسایی تجربه حداقل یک رویداد آسیب‌زا و تعیین ملاک ورود استفاده شد. به دلیل ناهمگونی آیتم‌ها، گزارش آلفای کرونباخ در این ابزار ضروری نیست و بیشتر بر اعتبار محتوایی آن تأکید می‌شود.

CCBY-NC.4.0 DEED

پرسش‌نامه رشد پس از آسیب (Post-traumatic Growth Inventory; PTGI): این پرسش‌نامه توسط Tedeschi و Calhoun در سال ۱۹۹۶ برای سنجش پیامدهای مثبت پس از تجربه رویدادهای آسیب‌زا طراحی شد (۲۰). این آزمون شامل ۲۱ گویه در مقیاس لیکرت شش‌درجه‌ای (نمره ۰) اصلاً تجربه نکرده‌ام تا (نمره ۵) خیلی تجربه کرده‌ام می‌باشد. نمره کل از ۰ تا ۱۰۵ متغیر است و نمره بالاتر نشان‌دهنده رشد بیشتر است. این ابزار دارای پنج زیرمقیاس است: فرصت‌های جدید (۵ گویه)، قدرت شخصی (۴ گویه)، ارزش نهادن به زندگی (۳ گویه)، تغییر معنوی (۲ گویه) و روابط صمیمی (۷ گویه). پایایی در پژوهش اصلی با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و ضرایب ۰/۶۷ تا ۰/۸۵ گزارش شده است. در ایران، ضرایب آلفای کرونباخ از ۰/۵۵ تا ۰/۷۷ توسط Heidarzadeh در سال ۱۳۹۴ به دست آمد (۲۱) و پایایی بازآزمایی ۰/۹۴ توسط Salabifard و همکاران در سال ۱۳۹۹ به دست آمده است (۲۲). در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۳ و برای زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۱ (فرصت‌های جدید)، ۰/۷۷ (قدرت شخصی)، ۰/۵۷ (ارزش نهادن به زندگی)، ۰/۶۰ (تغییر معنوی) و ۰/۸۲ (روابط صمیمی) بود که بیان‌گر پایایی مطلوب ابزار است.

پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی بزرگ‌سالان (Revised Adult Attachment Scale; RAAS): این مقیاس توسط Collins و Read در سال ۱۹۹۰ برای ارزیابی نحوه شکل‌گیری دلبستگی در روابط مهم زندگی طراحی شد (۲۳). نسخه اصلاح شده مقیاس دلبستگی بزرگ‌سالان Hazan و Shaver در سال ۱۹۸۷ است (۲۴). این ابزار شامل ۱۸ گویه در سه بعد نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب است (هرکدام ۶ گویه) و بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از ۰ (اصلاً با خصوصیات من مطابق نیست) تا ۴ (کاملاً مطابق است) نمره‌گذاری می‌شود. پایایی ابزار در مطالعات اولیه از ۰/۶۹ تا ۰/۷۵ و پایایی سبک‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ گزارش شده است. در ایران Pakdaman در سال ۱۳۸۰ ضرایب آلفای ۰/۵۲، ۰/۲۸ و ۰/۷۴ برای سبک‌های مذکور به دست آورد. هم‌چنین، اعتبار بازآزمایی آن ۰/۹۵ گزارش شده است (۲۵). در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ به ترتیب برای دلبستگی ایمن ۰/۹۰، اجتنابی ۰/۶۸ و دوسوگرا ۰/۸۳ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب است.

پرسش‌نامه نشخوار مرتبط با رویداد (Event Related Rumination Inventory; ERRI): این پرسش‌نامه توسط Cann و همکاران در سال ۲۰۱۱ برای سنجش نشخوار فکری پس از رویدادهای آسیب‌زا تدوین شد (۲۶). پرسش‌نامه شامل ۲۰ گویه در دو خرده‌مقیاس نشخوار ناخواسته (۱۰ گویه) و نشخوار عمدی (۱۰ گویه) است. پاسخ‌ها در طیف لیکرت چهاردرجه‌ای از ۰ (اصلاً) تا ۳ (اغلب) نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل از جمع پاسخ‌ها به دست می‌آید (دامنه ۰ تا ۶۰) و نمره بالاتر نشان‌دهنده نشخوار بیشتر است. ضریب آلفای کرونباخ در مطالعه اصلی در دامنه ۰/۸۸ تا ۰/۹۴ و در ایران ۰/۸۵ گزارش شده است (۲۷). در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۳، برای نشخوار ناخواسته ۰/۹۷ و برای نشخوار عمدی ۰/۹۳ به دست آمد که بیان‌گر پایایی بسیار مطلوب است.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و نرم‌افزار Lisrel نسخه ۸/۸ استفاده شد. داده‌های خام با استفاده از ابزارهای آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار و برای ارزیابی نرمال بودن مدل از شاخص‌های کجی و کشیدگی استفاده شد. در بخش آمار استنباطی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی Pearson و مدل‌یابی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. سطح معناداری در آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

CCBY-NC.4.0 DEED

نتایج

از ۷۱۶ نفر آزمودنی مورد بررسی، ۵۴۱ نفر (۷۵/۶ درصد) زن و ۱۷۵ نفر (۲۴/۴ درصد) مرد بودند که میانگین (انحراف معیار) سنی آن‌ها ۲۳/۴۶ (۵/۳۵) سال بود و دامنه سنی ایشان در محدوده ۱۸ تا ۵۳ سال قرار داشت. از میان آن‌ها، ۲ نفر (۰/۳ درصد) زیر دیپلم، ۱۰۹ نفر (۱۵/۲ درصد) دیپلم، ۳۵ نفر (۴/۹ درصد) کاردانی، ۴۰۶ نفر (۵۶/۷ درصد) کارشناسی، ۱۴۵ نفر (۲۰/۳ درصد) کارشناسی ارشد و ۱۹ نفر (۲/۷ درصد) دارای مدرک دکترا یا بالاتر بودند و ۶۳۸ نفر (۸۹/۱ درصد) مجرد و ۷۸ نفر (۱۰/۹ درصد) نیز متأهل بودند.

در جدول ۱، میانگین، انحراف معیار، شاخص‌های کجی، کشیدگی و ضرایب همبستگی Pearson میان متغیرهای پیش‌بین (سبک‌های دلبستگی)، متغیرهای میانجی (نشخوارهای فکری) و متغیر ملاک (رشد پس از آسیب) ارائه شده است بر اساس نتایج جدول ۱، رشد پس از آسیب با سبک دلبستگی ایمن و نشخوار فکری عمدی رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد، در حالی‌که با سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا و نشخوار فکری ناخواسته رابطه‌ای منفی و معنادار مشاهده شد ($P <۰/۰۰۱$). هم‌چنین، نشخوار فکری ناخواسته با سبک دلبستگی ایمن ارتباط منفی و با سبک‌های ناایمن اجتنابی و دوسوگرا ارتباط مثبت و معنادار نشان داد ($P <۰/۰۰۱$). در مقابل، نشخوار فکری عمدی با سبک دلبستگی ایمن همبستگی مثبت و معنادار و با سبک‌های ناایمن اجتنابی و دوسوگرا همبستگی منفی و معنادار داشت ($P<۰/۰۰۱$).

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار و ضرایب همبستگی Pearson بین متغیرهای اصلی پژوهش در بزرگ‌سالان با سابقه تروما در شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۴ (n=۷۱۶)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	رشد پس از آسیب	۵۱/۶۱	۲/۳۲۸	-۰/۰۹	-۰/۹۲	۱				
۲	سبک دلبستگی ایمن	۴/۷۷	۵/۵۸	۱/۵۰	۱/۴۴	۰/۵۹۱**	۱			
۳	سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی	۱۰/۹۱	۵/۳۵	۰/۲۱	-۰/۵۲	-۰/۵۰۶**	-۰/۵۰۱**	۱		
۴	سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا/اضطرابی	۱۱/۰۵	۶/۱۱	۰/۳۸	-۰/۹۸	-۰/۵۱۰**	-۰/۳۹۰**	۰/۵۰۵**	۱	
۵	نشخوار فکری ناخواسته	۱۶/۹۴	۸/۳۲	۰/۲۳	-۱/۰۴	-۰/۱۵۳**	-۰/۲۴۰**	۰/۴۳۰**	۰/۵۰۴**	۱
۶	نشخوار فکری عمدی	۲۰/۲۱	۶/۳۵	-۰/۷۷	۰/۰۹	۰/۴۹۸**	۰/۳۱۰**	-۰/۳۳۵**	-۰/۱۸۳**	۰/۲۰۷** ۱

P<۰/۰۰۱ *

قبل از هرگونه تفسیر، لازم است تا از برازش مدل پیشنهادی اطمینان یافت. به همین دلیل جدول ۲، شاخص‌های برازش داده‌های مدل را گزارش می‌دهد. بر اساس نتایج جدول ۲، تمامی شاخص‌های برازش در سطح قابل قبول قرار دارند، به‌طوری‌که مقدار خی‌دو برابر با ۴۶۰۱/۶۸ و درجه آزادی ۱۵۷۵ بوده و نسبت خی‌دو به درجه آزادی (χ^2/df) برابر با ۲/۹۲ به دست آمد که کمتر از حد ۳ است. هم‌چنین، مقادیر شاخص‌های ریشه دوم میانگین مربعات (Root Mean Square Error of Approximation; RMSEA)، شاخص برازش تطبیقی (Comparative Fit Index; CFI)، شاخص نیکویی برازش (Goodness of Fit Index; GFI)، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (Adjusted Goodness of Fit Index; AGFI) و شاخص برازش هنجار شده (Normed Fit Index; NFI) در بازه مناسب قرار داشته و نشان‌دهنده برازش مطلوب مدل می‌باشند (۲۸).

CCBY-NC.4.0 DEED

جدول ۲- شاخص‌های برازش مدل رشد پس از آسیب در بزرگ‌سالان با سابقه تروما در شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۴ (n=۷۱۶)

نام شاخص	مقدار	بازه قابل قبول (۲۸)	نتیجه
نسبت کای اسکوئر بر درجه آزادی	۲/۹۲	کمتر از ۳	قابل‌قبول
شاخص ریشه میانگین مربعات خطا (RMSEA)	۰/۰۵۲	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۷	بیشتر از ۰/۹۰	قابل‌قبول
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۱	بیشتر از ۰/۹۰	قابل‌قبول
شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)	۰/۸۱	بیشتر از ۰/۸۰	قابل‌قبول
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۶	بیشتر از ۰/۹۰	قابل‌قبول

در جدول ۳ نیز ضرایب استاندارد و مقادیر معناداری برای اثرات مستقیم و هم‌چنین ضرایب استاندارد، آزمون Sobel و شاخص شمول واریانس (Variance Accounted For; VAF) برای بررسی اثرات غیرمستقیم متغیرهای پژوهش گزارش شده است. یافته‌های جدول ۳ نشان داد که مقدار معناداری در اثرات مستقیم همگی خارج از بازه (۱/۹۶ و ۱/۹۶-) و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بودند. به‌طوری‌که سبک ایمن پیش‌بینی‌کننده رشد بالاتر پس از آسیب بود و ارتباط مثبت و معناداری با رشد پس از آسیب داشت، درحالی‌که سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا با سطوح پایین‌تر رشد پس از آسیب همراه بودند اگرچه دلبستگی اجتنابی بر خلاف دوسوگرا ارتباط مثبت و معناداری با رشد پس از آسیب داشت. هم‌چنین، نتایج نشان داد که نشخوار فکری ناخواسته و عمدی با رشد پس از آسیب به ترتیب ارتباط منفی معنادار و مثبت معناداری داشتند. آزمون Sobel نیز معناداری این اثرها را تأیید کرد.

با توجه به مدل ساختاری پژوهش در حالت ضرایب معناداری در اثرات غیرمستقیم مشاهده می‌شود که میزان آماره t غیرمستقیم (t-value) بین متغیرهای بالا که خارج از بازه (۱/۹۶ و ۱/۹۶-) است، معنادار است؛ لذا اثر غیرمستقیم همه متغیرها بر رشد پس از آسیب در سطوح معناداری موجود در جدول پذیرفته می‌شود، اما اثر غیرمستقیم دلبستگی ناایمن دوسوگرا با میانجی‌گری نشخوار فکری ناخواسته بر رشد پس از آسیب به دلیل قرارگیری t سوبل (t-Sobel=-۱/۹۲) در این بازه (۱/۹۶ و ۱/۹۶)، غیرمعنادار می‌باشد. به این معنی که نشخوار فکری ناخواسته نمی‌تواند نقش میانجی معنی‌داری بین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا و رشد پس از آسیب داشته باشد.

با توجه به میزان به‌دست‌آمده برای آماره VAF مشاهده می‌شود که بیشترین میانجی‌گری به ترتیب عبارت است از: ۹۰/۱ درصد سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی با میانجی‌گری نشخوار فکری ناخواسته، ۸۸/۷ درصد تأثیر دلبستگی ناایمن اجتنابی و ۶۲/۹ درصد تأثیر دلبستگی ایمن از طریق نشخوار فکری عمدی بر رشد پس از آسیب که می‌توانند تبیین گردند.

CCBY-NC.4.0 DEED

جدول ۳- اثرات مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش در بزرگ‌سالان با سابقه تروما در شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۴ (n=۷۱۶)

متغیرها	ضرایب استاندارد	t-value	خطای استاندارد	مقدار P
دلبستگی ایمن ---> نشخوار فکری ناخواسته	۰/۱۲	۳/۲۹	۰/۰۳۷	<۰/۰۰۱
دلبستگی ایمن ---> نشخوار فکری عمدی	۰/۲۲	۵/۰۳	۰/۰۴۲	<۰/۰۰۱
دلبستگی ایمن ---> رشد پس از آسیب	۰/۳۷	۷/۴۵	۰/۰۴۸	<۰/۰۰۱
دلبستگی ناایمن اجتنابی ---> نشخوار فکری ناخواسته	۰/۷۳	۱۴/۹۹	۰/۰۵۰	<۰/۰۰۱
دلبستگی ناایمن اجتنابی ---> نشخوار فکری عمدی	-۰/۴۹	-۶/۲۸	۰/۰۷۴	<۰/۰۰۱
دلبستگی ناایمن اجتنابی ---> رشد پس از آسیب	-۰/۲۳	۳/۲۷	۰/۰۶۸	<۰/۰۰۱
دلبستگی ناایمن دوسوگرا ---> نشخوار فکری ناخواسته	۰/۱۳	۳/۰۴	۰/۰۴۴	<۰/۰۰۱
دلبستگی ناایمن دوسوگرا ---> نشخوار فکری عمدی	-۰/۱۲	-۲/۵۰	۰/۰۴۷	<۰/۰۰۱
دلبستگی ناایمن دوسوگرا ---> رشد پس از آسیب	-۰/۳۹	-۷/۲۳	۰/۰۵۳	<۰/۰۰۱
نشخوار فکری ناخواسته ---> رشد پس آسیب	-۰/۱۵	-۲/۵۰	۰/۰۵۹	<۰/۰۰۱
نشخوار فکری عمدی ---> رشد پس آسیب	۰/۳۷	۷/۵۶	۰/۰۵۰	<۰/۰۰۱
متغیرها	**ضرایب استاندارد**	**t-Sobel**	**آماره VAF**	**مقدار P**
دلبستگی ایمن ---> نشخوار فکری ناخواسته ---> رشد پس از آسیب	-۰/۱۸۰	-۲/۰۰	۰/۳۶۱	۰/۰۴۵
دلبستگی ایمن ---> نشخوار فکری عمدی ---> رشد پس از آسیب	۰/۸۱۴	۴/۲۷	۰/۶۲۹	<۰/۰۰۱
دلبستگی ناایمن اجتنابی---> نشخوار فکری ناخواسته ---> رشد پس از آسیب	-۰/۱۰۹	-۲/۵۰	۰/۹۰۱	۰/۰۱۲
دلبستگی ناایمن اجتنابی ---> نشخوار فکری عمدی ---> رشد پس از آسیب	-۰/۸۱۳	-۴/۹۳	۰/۸۸۷	<۰/۰۰۱
دلبستگی ناایمن دوسوگرا ---> نشخوار فکری ناخواسته ---> رشد پس از آسیب	-۰/۰۱۹	-۱/۹۲	---	۰/۰۵۳
دلبستگی ناایمن دوسوگرا ---> نشخوار فکری عمدی ---> رشد پس از آسیب	-۰/۴۴۴	-۲/۴۲	۰/۵۳۲	۰/۰۱۵

P<۰/۰۵ اثر معنی‌دار

در شکل ۲، مدل ساختاری پژوهش که در حالت معناداری و توسط نرم‌افزار Lisrel نسخه ۸/۸ تحلیل شده گزارش شده است. در این مدل، متغیر سبک‌های دلبستگی به عنوان متغیر پیش‌بین، نشخوار فکری ناخواسته و عمدی به عنوان متغیرهای میانجی و رشد پس از آسیب به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که در مدل ساختاری رسم شده در شکل ۲ همه اعداد گزارش شده، از نوع معناداری هستند.

CCBY-NC.4.0 DEED

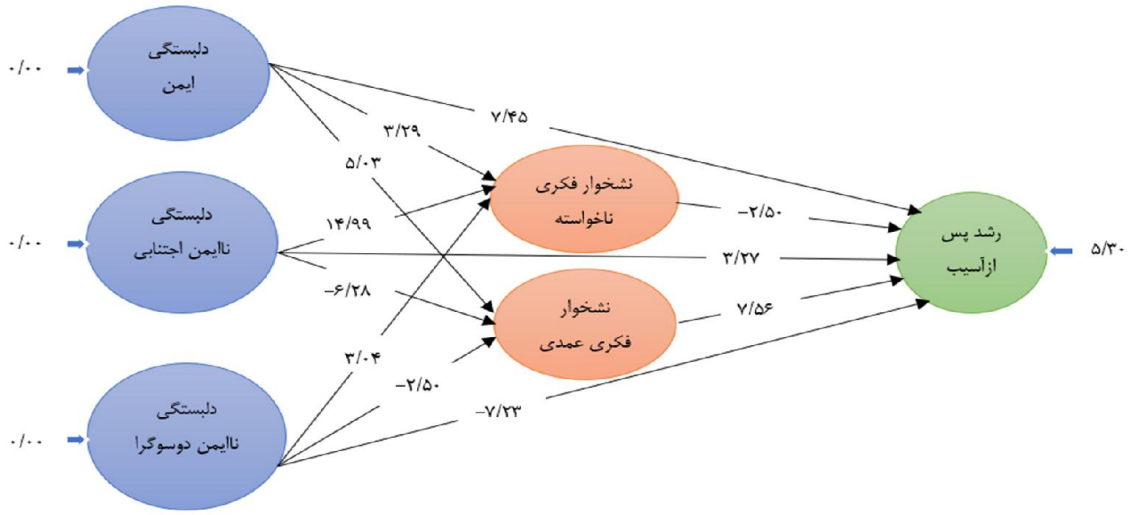

شکل ۲- تحلیل مدل ساختاری ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و رشد پس از آسیب با نقش میانجی نشخوار فکری ناخواسته و عمدی در بزرگ‌سالان شهرکرمانشاه در سال ۱۴۰۴ در حالت معناداری

بحث

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش سبک‌های دلبستگی در رشد پس از آسیب با میانجی‌گری نشخوار فکری ناخواسته و عمدی بود. نتایج نشان داد سبک دلبستگی ایمن اثر مستقیم و مثبتی بر رشد پس از آسیب دارد؛ یعنی هرچه دلبستگی ایمن‌تر، ظرفیت رشد پس از رویدادهای آسیب‌زا بیشتر است. این نتیجه با پژوهش‌های (۳۰، ۲۹) همسو و با یافته Mohammad و همکارش یافته (۳۱) ناهمسو گزارش شد. ناهمسویی احتمالاً ناشی از تفاوت در نوع تروما، بافت فرهنگی، و ابزارهای سنجش بوده است. افراد ایمن از حمایت اجتماعی و تنظیم هیجان مؤثر برخوردارند و از راهبردهای مقابله‌ای مثبت برای معناپردازی و بازسازی شناختی استفاده می‌کنند (۷).

دلبستگی اجتنابی اثر مستقیم و منفی بر رشد پس از آسیب داشت؛ یعنی هرچه اجتناب از صمیمیت بیشتر باشد، رشد کمتر است. این یافته با (۳۰، ۲۹) همسو و با نتایج Mohammad و همکارش (۳۱) ناهمسو می‌باشد. ناهمسویی می‌تواند به تفاوت در شدت دلبستگی اجتنابی، سن نمونه و زمان‌بندی سنجش پس از تروما مرتبط باشد. تبیین این موضوع آن است که اجتناب، پردازش هیجانی و جستجوی حمایت اجتماعی را محدود می‌کند که منجر به کاهش بازگویی تجربه می‌شود، اما در حقیقت دریافت کمک از دیگران و اشتراک تجربیات، فرآیند نسبت دادن معنا به آسیب را تسهیل می‌کند ولی در این افراد این فرآیند مختل می‌باشد (۶).

هم‌چنین، سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا نیز اثر مستقیم و منفی بر رشد پس از آسیب داشت. یافته حاضر با پژوهش‌های گذشته (۳۲، ۳۰، ۸) همسو و با نتایج Levy و همکاران (۳) و Zafartalab و همکارش (۲۹) ناهمسو گزارش شد. ناهمسویی ممکن است به تفاوت در سطح مزمن اضطراب و کیفیت روابط صمیمی برگردد. از نظر تبیینی، اضطراب بالا، ترس از طرد و بی‌ثباتی روابط، مانع بهره‌مندی از حمایت اجتماعی و معناپردازی می‌شود. این افراد از استراتژی‌های تنظیم هیجانی بیش‌فعال (Hyperactivating strategies) استفاده می‌کنند که واکنش هیجانی و حساسیت اجتماعی را تشدید می‌کند (۹).

CCBY-NC.4.0 DEED

در خصوص نشخوارهای فکری، نتایج نشان داد که نشخوار ناخواسته اثر مستقیم و منفی بر رشد پس از آسیب دارد. این یافته با پژوهش‌های پیشین (۳۲، ۱۴) همسو است. نشخوار ناخواسته، به دلیل ماهیت کنترل‌ناپذیر خود، فرد را در چرخه افکار منفی نگه‌می‌دارد و مانع پردازش سازنده می‌شود و در چنین مواقعی، نظام باورهای بنیادین او درباره جهان، خود و دیگران دچار فروپاشی می‌شود که منجر به نوعی آشفتگی شناختی می‌گردد و ذهن را وادار به پردازش مجدد و درگیری فعال با واقعه می‌کند و نوعی آغازگر شناختی برای پریشانی روانی تلقی می‌گردد (۱۴). در تبیینی دیگر و از منظر عصب‌روان‌شناختی، تجربه نشخوار ناخواسته، با فعال شدن سیستم‌های مغزی مرتبط با تهدید و هیجان (مانند آمیگدالا) آغاز می‌شود که این فعال‌سازی می‌تواند به تحلیل نواحی پیش‌پیشانی درگیر در پردازش خودآگاه و کنترل هیجان منجر شود به گونه‌ای که تصویربرداری‌های عصبی نشان داده‌اند که افراد با سطوح پایین‌تر رشد پس از آسیب، در مواجهه با محرک‌های آسیب‌زا فعالیت بیشتری در نواحی مانند vmPFC (Ventromedial prefrontal cortex) و Anterior Cingulate Cortex (ACC) دارند که با خودآگاهی و بازسازی شناختی کمتری در رشد مرتبط‌اند (۳۳).

از سوی دیگر، نشخوار عمدی اثر مستقیم و مثبت بر رشد پس از آسیب داشت. یافته حاضر با نتایج پژوهش‌های گذشته (۳۴، ۲۷، ۴) همسو بوده است. این نتیجه نشان می‌دهد که این فرآیند آگاهانه موجب بازسازی باورها، معناپردازی و پذیرش می‌شود و هنگامی که فرد به‌صورت عمدی به تحلیل رویداد می‌پردازد، سیستم‌های شناختی فعال و تغییرات سازگارانه در باورها ایجاد می‌شود (۲۶).

نتایج مدل ساختاری نشان داد نشخوارهای فکری میانجی رابطه دلبستگی ایمن و رشد پس از آسیب‌اند؛ به طوری‌که دلبستگی ایمن با افزایش نشخوار عمدی و کاهش نشخوار ناخواسته، رشد را تقویت می‌کند که با پژوهش‌های پیشین (۳۵، ۳۴، ۴) همسو است. هم‌چنین، دلبستگی اجتنابی از طریق میانجی‌گری نشخوارهای فکری بر رشد پس از آسیب اثرگذار هستند که با مطالعات Salem (۳۰) و Chaychi و همکارش (۳۵) همسو و با پژوهش Huh و همکاران (۱۴) ناهمسو می‌باشد. برای تبیین این ناهمسویی می‌توان گفت که تفاوت در نوع تروما، ویژگی‌های فرهنگی، جنسیت و زمان سپری شده از رویداد آسیب‌زا ممکن است بر شدت اجتناب و شیوه پردازش شناختی مؤثر باشد؛ در برخی فرهنگ‌ها، سازوکارهای اجتنابی به‌عنوان نشانه قدرت یا کنترل هیجان تلقی می‌شوند و همین امر می‌تواند موجب تفاوت الگوهای رشد در مطالعات بین‌فرهنگی گردد.

بر اساس نظریه پردازش دوگانه رویداد آسیب‌زا (Dual Representation Theory)، ۲ نوع بازنمایی در ذهن افراد شکل می‌گیرد: ۱) بازنمایی‌های حسی موقعیتی (Situationally Accessible Memories; SAMs) و ۲) بازنمایی‌های توصیفی (Verbally Accessible Memories; VAMs) که به دلیل اجتناب شناختی و هیجانی، در پردازش توصیفی ناکارآمدند و بیشتر درگیر بازنمایی‌های حسی و ناخواسته می‌شوند؛ امری که آنان را مستعد نشخوارهای ناخواسته و فلش‌بک‌های تجسمی می‌کند و در صورت ماندن در این مرحله، فرآیند معناسازی مختل و رشد پس از آسیب دشوار می‌شود (۳۳).

در مدل حاضر، نقش میانجی‌گری نشخوار فکری ناخواسته در ارتباط میان سبک دلبستگی دوسوگرا و رشد پس از آسیب معنادار

CCBY-NC.4.0 DEED

نشد که با پژوهش Zafartalab و همکارش (۲۹) همسو و با یافته‌های پژوهش‌های (۳۵، ۳۰، ۱۴) ناهمسو می‌باشد. این ناهمسویی احتمالاً ناشی از تفاوت در شدت اضطراب دلبستگی، ویژگی‌های هیجانی نمونه‌ها، یا تفاوت در سنجش رشد پس از آسیب (ابزار و زمان) است. این نتیجه نشان می‌دهد که هرچند افراد دوسوگرا به دلیل اضطراب دلبستگی و حساسیت بالا به تهدید و جدایی، افکار ناخواسته‌ی مکرر دارند، اما این افکار الزاماً به رشد منجر نمی‌شوند. نشخوار ناخواسته ماهیتی غیرسازگارانه دارد و با تکرار افکار منفی و پریشانی هیجانی همراه است؛ بنابراین، در افراد دوسوگرا بیشتر موجب آشفتگی می‌شود تا بازسازی شناختی، ازاین‌رو معناداری این مسیر تأیید نشد (۲۶).

در مقابل، مسیر میانجی‌گری نشخوار فکری عمدی در ارتباط میان سبک دلبستگی دوسوگرا و رشد پس از آسیب معنادار بود که با پژوهش Zafartalab و همکاراش (۲۹) همسو، ولی با پژوهش‌های پیشین (۳۲-۳۰، ۱۴) ناهمسو می‌باشد. به نظر می‌رسد افراد دوسوگرا، با وجود حساسیت و نیاز به تأیید، گاه برای کاهش اضطراب و یافتن امنیت به بازاندیشی و جست‌وجوی معنا روی می‌آورند؛ فرآیندی که به بازسازی شناختی و رشد پس از آسیب می‌انجامد. نشخوار عمدی در این زمینه به‌عنوان ساز و کاری مثبت برای معناجویی و ارتقاء رشد شناخته می‌شود (۲۶).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به کنترل نشدن شدت و نوع رویدادهای آسیب‌زا، سوگیری نمونه داوطلبانه، عدم توازن جنسیتی، استفاده از ابزار خودگزارشی، و شناسایی رویدادها صرفاً با چک‌لیست LEC-5 اشاره کرد. هم‌چنین، متغیرهای زمینه‌ای مانند سلامت روان، حمایت اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی کنترل نشدند و نمونه تنها از یک منطقه جغرافیایی انتخاب شد. طراحی مقطعی نیز امکان بررسی روابط علّی را محدود کرد. در پژوهش‌های آینده، استفاده از طرح طولی، مصاحبه‌های بالینی، ابزارهای چندبعدی و نمونه‌گیری متوازن پیشنهاد می‌شود تا دقت و تعمیم‌پذیری نتایج افزایش یابد.

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که سبک‌های دلبستگی و انواع نشخوار فکری نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند رشد پس از آسیب دارند. یافته‌ها بر اهمیت روابط ایمن و پردازش شناختی سازنده در مواجهه با رویدادهای آسیب‌زا تأکید می‌کنند. هم‌چنین، تفاوت‌های مشاهده شده در شدت و جهت روابط، می‌تواند ناشی از عوامل فرهنگی، نوع تروما و ویژگی‌های فردی باشد. به طور کلی، نتایج این مطالعه می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه و تقویت شیوه‌های فرزندپروری ایمن، و نیز برای مراکز سلامت روان، مشاوران و درمانگران در شناسایی و مداخله مؤثر در آسیب‌های روانی و تقویت رشد پس از آسیب سودمند باشد.

تشکر و قدردانی

به این وسیله از تمامی افرادی که در این پژوهش مشارکت داشتند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع برای نویسندگان وجود ندارد.

حامی مالی: نویسندگان هیچ‌گونه حمایت مالی برای این پژوهش دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی (کد اخلاق): پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی در دانشگاه کردستان می‌باشد؛ با رعایت اصول اخلاقی و پرهیز از هرگونه سوگیری و از کد اخلاق IR.UOK.REC.1403.056 از کمیته اخلاق دانشگاه کردستان انجام شده است.

CCBY-NC.4.0 DEED

مشارکت نویسندگان

- **طراحی ایده:** ساناز عینی، مهدی زمستانی، پریا بهروزپور
- **روش کار:** پریا بهروزپور
- **جمع‌آوری داده‌ها:** پریا بهروزپور
- **تجزیه و تحلیل داده‌ها:** ساناز عینی، مهدی زمستانی
- **نظارت:** ساناز عینی، مهدی زمستانی
- **مدیریت پروژه:** ساناز عینی
- **نگارش – پیش‌نویس اصلی:** ساناز عینی
- **نگارش – بررسی و ویرایش:** مهدی زمستانی، پریا بهروزپور

References

1. Taylor E. Post-traumatic growth: A paradigm for psychological change. *JSR* 2023; 11(4): 1-23.

2. Sierra-Murguía M, Guevara-Sanginés ML, Navarro-Contreras G, Peralta-Castillo G, Padilla-Rico A, González-Alcocer L, et al. Relationship between thought style, emotional response, post-traumatic growth (Ptg), and biomarkers in Cancer patients. *IJERPH* 2024; 21(6): 763.

3. Levy K, Grant PC, Depner RM, Byrwa DJ, Luczkiewicz DL, Kerr CW. End-of-life dreams and visions and posttraumatic growth: A comparison study. *J Palliat Med* 2020; 23(3): 319-24.

4. Steve J, Zhao S. Relationship between purposeful rumination and post-traumatic growth of college students who experienced childhood trauma: A regulated intermediary model. [Version 1; peer review: awaiting peer review]. *F1000Research* 2025; 14(1): 1-17.

5. Mattson E, James L, Engdahl B. Personality factors and their impact on PTSD and post-traumatic growth is mediated by coping style among OIF/OEF veterans. *Mil Med* 2018; 183(9-10): e475-e80.

6. Ersahin Z. Post-traumatic growth among Syrian refugees in Turkey: The role of coping strategies and religiosity. *Curr Psychol* 2022; 41(4): 2398-407.

7. Namani E, Salehi M. The influence of psychological capital on quality of life in women heads of households: The mediating roles of perceived Social support and religious beliefs. *Social Psychology Research* 2025; 14(56): 75-96. [Farsi]

CCBY-NC.4.0 DEED

8. Kheiriabad M, Zarean M, Bayrami M. Pathway linking attachment styles to post-traumatic growth among recovered COVID-19 patients: testing the mediating role of coping styles. *Eur J Psychotraumatol* 2024; 15(1): 2398917.

9. González-Baeza A, Barrio-Fernández P, Curto-Ramos J, Ibarguchi L, Dolengevich-Segal H, Cano-Smith J, et al. Understanding attachment, emotional regulation, and childhood adversity and their link to chemsex. *Subst Use Misuse* 2023; 58(1): 94-102.

10. Sagone E, Commodari E, Indiana ML, La Rosa VL. Exploring the association between attachment style, psychological well-being, and relationship status in young adults and adults—A cross-sectional study. *Eur J Investig Health Psychol Educ* 2023; 13(3): 525-39.

11. Nolen-Hoeksema S, Wisco BE, Lyubomirsky S. Rethinking rumination. *Perspect Psychol Sci* 2008; 3(5): 400-24.

12. Turan N, Yılmaz DY, Ertekin K. The relationship between posttraumatic stress disorder, posttraumatic growth, and rumination in adolescents after earthquake: A systematic review. *J Child Adolesc Psychiatr Nurs* 2022; 35(3): 267-76.

13. Ravelo Y, Marrero H, de la Rosa OMA, Gonzalez-Mendez R. Affect and post-traumatic growth in previously bullied students: intrusive and deliberate rumination as mediators. *Personality and Individual Differences* 2024; 231: 112822.

14. Huh HJ, Kim KH, Lee H-K, Chae J-H. Attachment style, complicated grief and post-traumatic growth in traumatic loss: The role of intrusive and deliberate rumination. *Psychiatry Investig* 2020; 17(7): 636-44.

15. Kline P. Personality (psychology revivals): Measurement and theory: Routledge; 2015: 3-10.

16. Gray MJ, Litz BT, Hsu JL, Lombardo TW. Psychometric properties of the life events checklist. *Assessment* 2004; 11(4): 330-41.

17. Brown ME, Anderson K, Finn GM. A narrative literature review considering the development and implementation of longitudinal integrated clerkships, including a practical guide for application. *J Med Educ Curric Dev* 2019; 6: 2382120519849409.

CCBY-NC.4.0 DEED

18. Weathers F, Blake D, Schnurr P, Kaloupek D, Marx B, Keane T. The life events checklist for DSM-5 (LEC-5). 2013.

19. Mafakheri M, Mansori K, Salehi A, Akbarian M, Saeidi N. Assessment of psychometric properties of Life Events Checklist (LEC) in patients with chronic pain. *RJMS* 2022; 135-49. [Farsi]

20. Tedeschi RG, Calhoun LG. The Posttraumatic Growth Inventory: Measuring the positive legacy of trauma. *J Trauma Stress* 1996; 9(3): 455-71.

21. Heidarzadeh M, Rassouli M, Shahbolaghi F, Alavi Majd H, Mirzaei H, Tahmasebi M. Assessing dimensions of posttraumatic growth of cancer in survived patients. *Journal of Holistic Nursing And Midwifery* 2015; 25(2): 33-41. [Farsi]

22. Salabifard S, Tajeri B, Rafiepoor A. The role of self-compassion in posttraumatic growth of women with breast cancer. *JHPM* 2020; 9(6): 37-48. [Farsi]

23. Collins NL, Read SJ. Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *J Pers Soc Psychol* 1990; 58(4): 644.

24. Hazan C, Shaver P. Romantic love conceptualized as an attachment process. In: Duck S, editor. Interpersonal development. London: Routledge; 2017. pp 283-96.

25. Pakdaman S. Examining the relationship between attachment and sociability in adolescence. *Journal of Cognitive Science* 2004; 3(9): 27-47. [Farsi]

26. Cann A, Calhoun LG, Tedeschi RG, Triplett KN, Vishnevsky T, Lindstrom CM. Assessing posttraumatic cognitive processes: The event related rumination inventory. *Anxiety, Stress, & Coping* 2011; 24(2): 137-56.

27. Mousavi SF, Ramezani R. The prediction of post-traumatic growth based on memorials symptoms and rumination in women with cancer. *Health Psychology* 2018; 7(26): 146-59. [Farsi]

28. Hooman HA. Structural equation modeling using LISREL software. Tehran: SAMT; 2018; 45-9. [Farsi]

29. Zafartalab Z, Taklavi S. The roles of attachment styles and defense mechanisms in predicting post-traumatic growth in the survivors of Corona deaths in Tehran in 2019-2021: A descriptive study. *J Rafsanjan Univ Med Sci* 2024; 22(11): 1149-62. [Farsi]

CCBY-NC.4.0 DEED

30. Salem M. Necropolitics and Healthcare: Analyzing the Impact of the October 2023 Gaza Conflict. 2024 11(24): 1-7.

31. Mohammad H, Borjali M. Predicting post-traumatic growth based on attachment styles and cognitive emotion regulation in Iranian immigrant girls. *Journal of Applied Family Therapy* 2021; 2(4): 369-82.

32. Amani O, Sheykhi M, Sahabmokammel N, Jahanbakhsh N, Nasrollahi S, Ghorbani P. The role of social support, resilience and rumination in predicting posttraumatic growth among Corona-Recovered Patients. *Journal of Psychology New Ideas* 2022; 12 (16): 1-17. [Farsi]

33. Clout E, Statham DJ, Human B, Allen A, Kannis-Dymand L. The role of rumination and metamemory beliefs in posttraumatic growth and posttraumatic stress. *Discover Psychology* 2024; 4(1): 109.

34. Wen S, Zeng Y, Xu Y, Xu S, Chen W, Wang G, et al. Association of childhood maltreatment and adverse lifetime experiences with post-injury psychopathology: evidence from the China Severe Trauma Cohort. *BMC Med* 2025; 23(1): 29.

35. Chaychi R, Moheb N. Causal relationship between attachment styles and Rumination in teenagers with self-injurious behaviors: Mediating role of childhood trauma. *IJRN* 2025; 11(2): 99-108. [Farsi]

CCBY-NC.4.0 DEED

The Relationship between Attachment Styles and Post-Traumatic Growth with the Mediating Role of Intrusive and Deliberate Rumination among Adults in Kermanshah City in 2025: A Descriptive Study

Parya Behrouzpoor[1], Sanaz Eyni[2], Mehdi Zemestani[3]

Received: 17/09/25 Sent for Revision: 29/10/25 Received Revised Manuscript: 19/11/25 Accepted: 22/11/25

Background and Objectives: Throughout life, adults may experience traumatic events that, despite their negative consequences, can also lead to posttraumatic growth. The present study aimed to determine the role of attachment styles in predicting posttraumatic growth through the mediating effects of intrusive and deliberate rumination.

Materials and Methods: In this descriptive-correlational study, 716 adults in Kermanshah (Iran) in 2025 were purposively selected. All participants had experienced at least one traumatic event. The instruments included the Life Events Checklist, the Post-traumatic Growth Inventory, the Revised Adult Attachment Scale, and the Event-Related Rumination Inventory. Data were collected through checklists and questionnaires and analyzed using structural equation modeling (SEM).

Results: The findings revealed that secure attachment ($\beta=0.37$, $p<0.001$) and deliberate rumination ($\beta=0.37$, $p<0.001$) were positively and significantly related to post-traumatic growth, whereas avoidant attachment ($\beta=-0.23$, $p<0.001$), anxious/ambivalent attachment ($\beta=-0.39$, <0.001), and intrusive rumination ($\beta=-0.15$, $p<0.001$) showed significant negative relationships with post-traumatic growth. Furthermore, the mediating roles of rumination types were supported in most relationships, except that intrusive rumination did not significantly mediate the relationship between anxious attachment and posttraumatic growth.

Conclusion: The results highlight the importance of attachment styles and rumination patterns in post-traumatic growth. Reducing intrusive rumination may buffer the adverse effects of insecure attachment and trauma, while strengthening deliberate rumination can promote positive psychological outcomes. Thus, therapeutic interventions targeting rumination modification may help mitigate negative consequences and enhance mental health in adults.

Keywords: Attachment styles, Post-traumatic growth, Intrusive rumination, Deliberate rumination, Adults

Funding: This study did not have any funds.

Conflict of interest: None declared.

Ethical considerations: The Ethics Committee of University of Kurdistan approved the study (IR.UOK.REC.1403.056).

Authors' contributions:

- **Conceptualization:** Sanaz Eyni, Mehdi Zemestani, Parya Behrouzpoor
- **Methodology:** Parya Behrouzpoor
- **Data collection:** Parya Behrouzpoor
- **Formal analysis:** Sanaz Eyni, Mehdi Zemestani
- **Supervision:** Sanaz Eyni, Mehdi Zemestani
- **Project administration:** Sanaz Eyni
- **Writing – original draft:** Sanaz Eyni
- **Writing – review & editing:** Mehdi Zemestani, Parya Behrouzpoor

Citation: Behrouzpoor P, Eyni S, Zemestani M. The Relationship between Attachment Styles and Post-Traumatic Growth with the Mediating Role of Intrusive and Deliberate Rumination among Adults in Kermanshah City in 2025: A Descriptive Study. *J Rafsanjan Univ Med Sci* 2025; 24 (9): 835-50.

1- MA in Clinical Psychology, Dept. of Psychology, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

2- Assistant Prof., Dept. of Psychology, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran, ORCID: 0000-0001-9650-9167

(Corresponding Author) Tel: 09144551284, E-mail: sanaz.einy@yahoo.com

3- Prof., Dept. of Psychology, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

CCBY-NC.4.0 DEED